

بخت آید

ارمان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران

پانته‌خابات آزاد خواهد بود؟ آیا یهودیان از حقوق سیاسی يك انسان آزاد بهره‌مند می‌شوند؟

اکنون ملت ایران در آستانه انتخابات دوره هفدهم قرار دارد. دسته بندی‌ها برای غصب حقوق سیاسی مردم شروع گشته است. از مدت‌ها پیش تضییقات و فشارها و امل زور و قدرت افزون تر گشته است. بازمی‌خواهند ملت ایران را از دخالت در امور سیاسی خود همچنان باز دارند و با ظاهر سازی و جوامع فریبی کسانی را بر حقوق مردم مسلط کرده‌اند که کوچکترین علاقه‌ای به منافع ملت ندارند. انتخابات دوره هفدهم هنگامی شروع می‌شود که موضوع لغت بعنوان «يك مسئله حل نشده» در راس برنامه کار محامه گران سیاسی قرار دارد. می‌خواهند مجلسی بوجود آورند که این مشکل را بنحوی حل کند که منافع غارتگران انگلیسی و امریکائی درین حال تامین گردد. آن‌ها که چشم طمع بی‌شور ملای مسأله دوخته‌اند نقشه‌هایی دارند که ظاهر با بایده پس از انجام انتخابات بهرورد اجرا گمارده شود. موضوع دیگری که مطرح است، کفالتن دولت ایران بدسته بندی موسوم به «سازمان دفاعی خاورمیانه» است که از مدت‌ها پیش جزو نقشه دولتهای استعماری بوده است و اکنون برای تحقق آن به فعالیت‌های دهنه داری پرداخته‌اند. شرکت دادن رسمی هیئت حاکمه مادر باوکی که ظاهراً نام «اتحادیه ملی» یا نام دیگری از این قبیل دارد ولی باطناً

شخصیت‌های بزرگ فرمانتال هلوی آهنک ساز شهپر یهودی

ژاک فرانسوا فرمانتال هلوی بسال ۱۷۹۹ در باریس چشم دنیا گشود و پس از ۶۲ سال عمر بسال ۱۸۶۲ در شهر نیس زندگی را بدرود گفت. هلوی در کنسرو انوار باریس تحت تعلیم شروینی به فرا گرفتن موسیقی پرداخت و در بیست و یک سالگی بدریافت جایزه دم موفق گردید. پس از مراجعت از ایتالیا بتدریج در ردیف آهنگسازان ابرار درآمد. در سال ۱۸۳۵ پس از ساختن ابرای بزرگ یهودی و ابرای قلمی روشنائی باوج شهرت رسید بدشت تحت تاثیر آثار مایر بیور بود و آثار ادبی بیشتر علاقه نشان میداد هلوی دارای اوپراهای بسیار و شاشل-بقیه در صفحه ۴

حبر ار اباید آرا عافران جامعه بوجون آوری

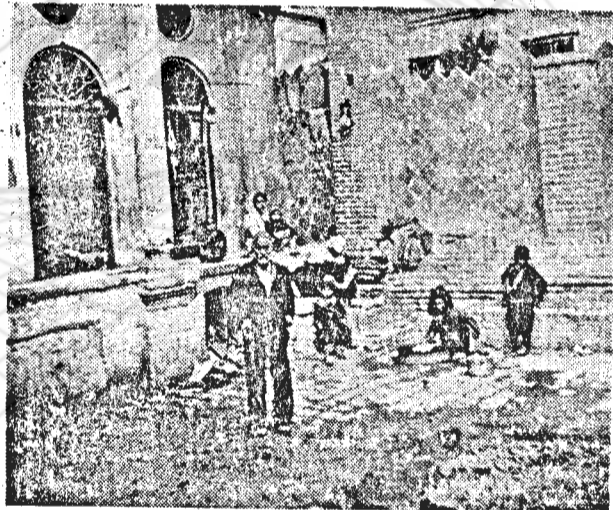
نه‌نما بولات نماینده نه‌میلی

خرابی اوضاع جامعه ما از یکسوتیجه پریشانی اوضاع عمومی کشور و کشور و خرابی رژیم اقتصادی است از سوی دیگر معلول وجود سرچینانی بنام وکیل و کارگردان‌های نا صالح اجتماع ما می باشد این ناصالحان خواه بعنوان نماینده مجلس خواه بنام افراد جبراً یا اشخاص منفرد که با هزاران ریب و زبانه تحت عنوان خدمت به جامعه گاه و بیگاه چون بنان عیسار خود نمایی میکنند. برای حفظ موقیت خود بدون توجه به پریشانی و درماندگی مردم و بدون در نظر گرفتن نتایج مضر اعمال خود برای جامعه بهر اقدامی که منافع آنان را تامین نماید دست می‌زنند. مثلاً چند نفر سود پرست برای رسیدن به مراد خود شخصیت و حیثیت و حقوق جامعه یهود ایران را زیر پا نهاده در اثر اعمال نفوذ خود در امور حرا و گرداندن آن طبق هوس و میل خود بر موجب خرابی اوضاع افزوده‌اند بدعت فلت و سنت ناصحیحی که یادگار چند نفر جاه طلب غاصب می باشد این است که هر کس هوس می‌کند وکیل شود اول کوشش می‌کند که اساس حبرای سابق را که مدتی صحیح یا نا صحیح کارهایی انجام داده است بهم بزنند و آن را بروق مراد خود تغییر دهند این عمل کاملاً غلط گذشته از زبان‌های فراوانی که در بر دارد ذوق تیجه شوم و مضر نیز همراه دارد اول این که بالفرض حبرای پیشین انجام کاری را اقدام نموده باشد (که تاکنون مردم شروع آن را هم بنفع خود سراغ ندارند) در اثر کودنای وکیل بلا موکل بقیه در صفحه ۴

رپورتاژی از زندگی یهودیان در زاغه‌های محله محل زندگی انسانهاست یا گورستان مرده‌های متحرک؟

پس از طی چند کوچه کل آلود بهسوطه نسبتاً بزرگی میرسیم که دور تا دور آن را دکان‌ها و محل سکنتی هزاران تن از محرومین اجتماع مافرار گرفته‌اند. برای خوانندگان خود تهیه کرده‌ایم. یقین داریم که اطلاع از همین چند صفحه کافی است که انصارین بوضع رقت بار و نابسامان اکثریت یهودیان تهران ببرد و دوک کنند که نیمه دوم قرن بیستم برادران ما با چه فقر و درماندگی گرفتارند. قبل از همه انسان بد که های متعدد گوشت فروشی نظرش جلب میشود يك پسر ده ساله که بایستی اکنون پشت میز دبستان باشد با لباسهای مندرس و چشمهای تراخمی مقداری جگر زار روی زمین بهن کرده و مشغول فروش است اغلب خریداران گوشت دور مارا احاطه کرده واز ما طلب میکردند در روزنامه بنویسیم که یهودیان مجبورند گوشت را يك برابر قیمت از قیمت معمول گرانتر بخرند و تازه با این قیمت هم با هزاران مشکل دیگر روبرو هستند. مسئولین ما بیبانه تهیه گوشت «کاشر» روزی هزاران ریال از کسه تغییر محرومین ما غارت می‌کنند؛ هزاران نفر برای تهیه

پس از طی چند کوچه کل آلود بهسوطه نسبتاً بزرگی میرسیم که دور تا دور آن را دکان‌ها و محل سکنتی هزاران تن از محرومین اجتماع مافرار گرفته‌اند.



پایه‌های این خانه چون پایه‌های اجتماع خراب مادر حال فروریختن است. این پدر پیر برای تامین زندگی فرزندان خود جیران است.



این اطفال از يك خانواده محروم می‌سرپرست جامعه ما میباشند اگر شرایط اجتماعی ضعیفی برقرار بود اینان افراد مفیدی بار می‌آمدند بقیه در صفحه ۳

آیا کوره‌های آدم‌سوزی باز هم در انتظار بشریت است

در ایران ما هنگامی که نهضت‌های ضد استعماری ملتها برای کسستن زنجیرهای اسارت و بردگی در سراسر جهان اوج گرفته شرق و غرب از مراکش تا مصر و از مصر تا ایران و از ایران تا اندوای را فرا می‌گیرد، تحریکات و توطئه‌های بین‌المللی حامیان فاشیسم نیز در اغلب کشورهای مستعمره و غیر آزاد جهان برای سرکوبی مبارزات ملت‌ها آغاز شده است. در این هنگام که نهضت‌های ضد استعماری ملتها برای کسستن زنجیرهای اسارت و بردگی در سراسر جهان اوج گرفته شرق و غرب از مراکش تا مصر و از مصر تا ایران و از ایران تا اندوای را فرا می‌گیرد، تحریکات و توطئه‌های بین‌المللی حامیان فاشیسم نیز در اغلب کشورهای مستعمره و غیر آزاد جهان برای سرکوبی مبارزات ملت‌ها آغاز شده است.

در این هنگام که نهضت‌های ضد استعماری ملتها برای کسستن زنجیرهای اسارت و بردگی در سراسر جهان اوج گرفته شرق و غرب از مراکش تا مصر و از مصر تا ایران و از ایران تا اندوای را فرا می‌گیرد، تحریکات و توطئه‌های بین‌المللی حامیان فاشیسم نیز در اغلب کشورهای مستعمره و غیر آزاد جهان برای سرکوبی مبارزات ملت‌ها آغاز شده است.

هر قدری که بر می‌نوریم منظره جدیدی از فقر و درماندگی و بیس و سامانی انسان‌های قرن بیستم پیشم ما می‌رسد اگر بشوایم واقفیتها را بیکایک بروی کاغذ بیاوریم صفحات روزنامه گنجایش آن را نخواهد داشت. ولی ما منظری چند از هزاران صحنه‌های غم‌انگیز و فجع محله کلیمان

فصلی از تاریخ یهود وضع یهودیان روسیه در جنک ۱۸-۱۹۱۴ و تاثیر انقلاب کبیر در زندگی آنان

آغاز جنک بین‌الملل اول جنگی که بهاطر تقسیم مجدد مستعمرات بین دولتهای بزرگ برپا شده بود. صفات خونین دیگری بر تاریخ یهود یار روسیه افزود. صدها هزار از جوانان یهود به همراهی میلیون‌ها جوانان بلار دیگر روس، کرچی قفقاز، از يك، اوکراین... برای دفاع از منافع سرمایه داران روس، انگلیسی، فرانسوی و امریکائی و حفظ سطه دستگانه توارسیم که همواره آن‌ها را می‌آزرد و گرفتارهای موحشی از آن‌ها برآمده یا نداشت، به پندان جنک روان شدند. بقیه در صفحه ۲

مردم آل‌یک خواننده از خوانندگان بنی آدم

یکی از خوانندگان ما صرح زیر را یاداره روزنامه فرستاده است. ما با پیشنهاد ایشان موافق بوده و از شماره بعد ستون مخصوصی را بیعت و پاسخ خواننده کان بطرح ایشان، اختصاص می‌دهیم. روزنامه گرامی بنی آدم! من بعنوان یک یهودی علاقه بترقی اجتماع خود، همواره در این فکر بوده‌ام که: «اقلیت یهود ایران در چه شرایطی می‌تواند سعادت‌مند زندگی کند و وظیفه هر فرد یهودی در ایجاد زندگی مرفه و فارغ از هر گونه محرومیت و فشار چیست؟» من این سوال را نزد خود مطرح کرده‌ام. بقیه در صفحه ۲

در دلد او مستی سلمونی

آقای مدیر خدا می‌دونه همه اون چیزایی که در خصوص تحریکات شیطانی تو روزنامه نوشتن درس از زبون ما فقیر فقرا اوشته شده بگذار باقی را هم من بگم. من از این‌هایی که امشون نماینده کار و فلان گذاشتند خیلی دل پری دارم وقتی می‌کم من، یعنی همه مردم توسط حال و بیچاره این آقایان فقط چیزی که بقیه در صفحه ۲

در دلد اوستا سلوونی

بقیه از صفحه ۱

برای ماها دارن هزارن نیس و افاده و وگره بعد اقام وقتی من گم بعد اقام راس من گم اینا هیچ کاری برای امثال ما ها نکنن یعنی نمی تونن بکنن

مطلبی است مشهور میگن «سیر از گرسنه خیر ندره و سوار از پیاده» حالا آقا چون من اینا کنی تا حالا یک شب گرسنه موافق که بپهن گرسنگی چه با کی یک جگر گوشه خون از بی دوا می و بی دکتری تو دو منشون چون داده که از دودل ما اطلاعی داشته باشن.

آقایون میشینن جده می کنن با سم ما، گویا برای ما مردم اما هوش یا سرف شق القدرای خود هونه که برخ هم می کشن یا تفریح می کنن ویانون بوم قرض میدن اون وقت افا ده اشون را بحساب ما می گذارن.

گوش کتین تا یک قسمه از مرحوم جیدزاکانی برانویس بکم عید تحریف می کنه به وقت در کار شون یک نفر که اسبش هم سران بوده کرتف و کتف حسابی بهش زدن یک خیرق اندیشی برسید.

آخر بابا چرا این بیچاره بی گناه را این قدر می زین؟ گفتن کنه از این بیشتر چه گذشته از اینکه اسبش همه الو نون همنان را هم با اون افاده کرده.

حالا آقای مدیر شما چه انتظاری از این آقایون دارین؟ اینا که می دونن هون طور که جن از سم اله فرار میکنه این طبعه از اجتناع مردم بدفون میاد و واقعا هم که می ترسن حالا شما گذشته از این که تشکیل چه وقت دادین تازه یک روزنامه آبرومند و محکم و متین هم دارین برده غلطکاریای اولارو پاره میکنه البته اگر کسی هم پیدا شه یا تو کتفی من که یک نفر سلوونی

فهری هستن بکنه منم بدم میاد آقای مدیر من از طرف همه پسا برهنه های محله و دهات و شهر سوناو همه اسرائالی سرکردون میون قبر سوناو نوم گفته هائی که همه شب سرب می شام زمین می گذارن بشما می کم و بشما تا یکید میکنم که نوم این ناینده های تلای که تا حالا یک قدم برای مردم برنداشتن و بعد از اینهم اگر وکیل بشن بر نیدارن نه با ما رابطه دارن و نه ما اولارو از خودمون می دونیم شما بگذارین هر شکری اونا دلشون می خواهد بخورن هر تهدیدی می خوان بکنن و هر کاری که از دستشون برمی یاد کوتاهی نکنن من بعدای بلند بهشون میگم طرف کلام من هم این انجمن هارا انجمن جبهه اولایه ما و غیره است.

ماها احتیاج بغیلی چیزا داریم که شما لیاقت تامین کردن اونسارا ندارین وضع اجتماعی ما خیلی در هم برهه از اول محله تا اخرش همه مرض و فلو کندکو یک مریضخونه یا در مانگامی که اونا را ممالجه کنه

چروپهای ما همه سرکردون و در بدرند کویک باشگاه یا یک جای ورزش یا یک کتاب خونه که شما برای او ناسدوس کردین که این نوکل های جامعه ما فاسد

بطوریکه هیندم بعضی از این آقایون

میون بعضی کنیساها بابل میشن و تنها قاضی رفتن دلم میخواست نوی کنیسا ما بود تا خوب از عهدشون بر میومدم این بوف کورما چشم ندرن رو همناسی را بین اینها هروقت از یک گوشه نوری در میاد چشمشون میزنه. هوش اینکده رفیع عیب چشم ناقص خود هونا بکنن صد هزار کفر و کافری برو همناسی میکن. آقای مدیر من اطلاع دارم، من میدونم هروقت یک روزنومه یا چه میونی در میون ما اسرائالی درس شافوری یکسده انگشت شماری که در جامعه با اندازه پر کاهی ارزش و لیاقت ندرن کردن شق کردن و فرضای خود شون را تولفا نه دین و مذهب پیچیدن و نوحه خونی کردن.

روز کیور گذشته که بیایه شما را آوردن تو کنیساها بخون دهن یکی از همین عالی جناب ها اینطور گف کرده بود که بیا و تا شاکن، داشت زمین و آسمون را بر سر خودش می زد.

من بهش گفتم بابا چه خبره چرا داد و بیداد میکنی گفته آخه اینوونی گفتم جای نبار و «طفیلا» است اینجا حرفهای سیاسی میشه زد.

بهش گفتم آخه داداش چون ترکه استو «هالیج سیور» گذاشتن اینقدر نفهیدی اگر جای نماز بود میگفتن «بت هطفیلا» اینجا «بت هکنست» است یعنی جای اجتماع مردم برای کار های اجتماع اینجا بایست جمع بشن این بیایه ها و اینطور صحبتها فقط جاش کیسا ست ولا غیر

خلاصه آقای مدیر من میدونم و اولام میدونم و همه مردم هم خوب اطلاع دارن این روزنومه و این جمعیت فرهنگی از نون شب برای جامعه اسرائیل واجب تره جامعه هم بطور یقین از شما طرفداری میکنه؛ میدونین چرا برای اینکه حالا همه چشم و گوشای مردم داره و میشه همه خوب فهیمین که سایه مبارک این آقایون باید از سرما کم بشه و کارهای جامعه را بر دم خود شون باید بدست خود شون بگیرین بی جهت در انتظار اینا نباش.

اما این آقایون چون میدونن که تحت آقای شون بر دوش لاغرو رنجیده مردم باید سوار با یک و دو ول کن معامله نیسن.

این آقایون خوب میدونن که تا چهل، مرضی ویرا کندهی در جامعه نباشه کیسه طمع اونا بر نیشه از این جهت همیشه همه جا باندهای فهم و دانش مردم مخالفت کرده و هر چه در قوه دارن از عوام فزینی بکار میبرن تا هراجناسی را لجن مال کنن و هر چرافی را خاموش نایین اما بی خبر هر چرافی را که جامعه خودش بدست خودش روشن کنه مطمئناً نورش روز بروز زیاد میشه و فقط چشای اونس که نمی تونه این نور را بینه بگذار

بقول مرحوم مولی

مه فشانده نوروست هومو کنده حقیر سرا با نصیر اوستا سلوونی

بنی آدم از جناب «اوستا» سلوونی تقاضا داریم مقالات خود را اندکی خوش خط تر بنویسند تا رنجین بتواند بخواند.

فصلی از تاریخ یهود

بقیه از صفحه ۱

این گرفتاری، یک مصیبت عمومی بوده که تمام مردم روسیه دینار آن گشته بودند. ولی بدبختی دیگری که خاص یهودیان بود این بود که مامورین تزار بملت اطلاع از ناراضیتهای عمومی توده یهودیه از استبداد تزار خیم، با کمال شقاوت و دیوانی را که در حدود جبهه سکنی داشته از برد و بزرگ از منازل خود می راندند و چون اسیران، آواره و سرگردانان می کردند و بالاخره پس از تلفات فراوان و تحمل رنج و مشقت بیجهت آنانرا بشرق روسیه کسبل داشتند.

تزازیم که از انقلاب و جنبش ملت هراسان بود؛ از این بیم داشت که یهودیان در بوجود آوردن انقلاب که از مدت ها زمینه آن فراهم بود شرکت موثری بیایند.

در غالب شهرها بزرگان و روحانیون یهود را بعنوان گروگان توقیف کرده ابلاغ داشتند که در صورت شکست قشون روسیه آنانرا تیرباران خواهند کرد این کیفیت نفرت شدیدی را که نسبت به حکومت تزاری در دل ستمدینگان یهود و بطور کلی در قلب آزادی خواهان روسیه وجود داشت مد چندان کرد انقلاب فوریه ۱۹۱۷ که در آن دستکاه تزازیم سرنگون و حکومت موقت بورژوازی جانشین آن گشت بوجود آمد.

یهودیان با حرارت تمام در انقلاب شرکت نمودند نیکالی دوم از تحت زیر آمدور آخرمارس ۱۹۱۷ تساری حقوق برای همه اعلان گردید.

ضمنا حقوق و آزادی اجتماعی یهود هم برسیست شناخته شد.

ولی این انقلاب آزادی کاملی بملل ساکن روسیه نبخشید، همدستان و سازش کنندگان با دستکاه تزاری حکومت را در دست گرفتند و برای حفظ منافع طبقه سرمایه دار روسیه و دولت های انگلیس و فرانسه و امریکا جنگ با آلمان را ادامه دادند.

ملت مخالف جنگ و خونریزی بخاطر منافع دیگر ان بود ولی گروهی که حکومت یافته بودند توجهی بمنافع ملت نداشتند.

انقلاب اکثر آزادی ناقصی را که مردم در جریان انقلاب فوریه بدست آورده بودند تکمیل نمود. حکومت در دست ملت، کارگران و دهقانان افتاد؛ جنگ با آلمان موقوف گردید؛ فشار و آزار بر یهود داشت از بین می رفت ولی وقوع جنگهای داخلی بین انقلابیون و قسوی ضد انقلاب که بتدریک دول انگلیس و فرانسه و امریکا - برای برانداختن حکومت انقلابی و از بین بردن آثار انقلاب اکبر دست بکار شده بودند مصائب جدیدی برای یهودیان بار آورد

کتاب تاریخ یهود این جریان و سرانجام آن را چنین خلاصه می کنه: «حزب بلشویک تحت رهبری لنین پس از یک دوره جنگهای طولانی حکومت را در دست گرفت و از جنگ عمومی کنار کشید ولی آنوقت جنگ طبقاتی در گرفت روسیه بچند قسمت تجزیه شد و اوکراین که بیشتر یهودیان در آن بسر می بردند مستقل گردید

پس میان مسکو و اوکراین جنگ در گرفت (مقصود بین حکومت انقلابی و قوای ضد انقلاب) و دستجات سیاه ضد انقلابی بفرماندهی «بلیتورا» همان صحنه های وحشتناک خبیلتسکی و هایداماکها را تجدید نمودند (این صحنه ها عبارت است از کشتار فحیح یهودیان در جریان شورش دهقانی که در سال های ۱۶۴۸ و ۱۷۶۸ در لهستان و اوکراین رخ داد و در جریان آن در حدود ۲۰۰ هزار نفر

ستون خوانندگان

آقای م. خلیلی - تهران قسمتی - از نظریات شما در مقاله ای که تحت عنوان «آیا در اینصورت صنعت نفت بملی بودن خود ادامه خواهد داد» نگاشته است صحیح است، نوشته اید: «با کمال اطمینان باید گفت که سیاست شوم امپریالیست خونیوار بود که هر دقیقه با اختلافات نژادی و مذهبی مملکت را دچار هرج و مرج می نمود و از آب گل آلود ماهی می گرفت حال دیگر ملت ایران هو شیار شده و سیاستهای شوم استعمار می خندد. ملت ایران باید زیر بار او هام و خرافاتی که بوسله عدهای جاه طلب انجام میگیرد برود. امروز روز تمدن و بیگانگی و دوستی است. امروز دنیا با اتحاد و اتفاق و وحدت و بیگانگی احتیاج دارد ایران اگر بخواهد قدمی بجلو نهد چاره ای جز نابود ساختن سیاستهای کذشته که در گوشه و کنار خود نمائی می کنند ندارد» این نظر صحیح و موافق هر فرد مترقی می باشد ولی در آنجا که نوشته اید:

«اگر در ایران باز بخواهد خیمه شب بازی های سابق دوباره در سیاست امروزی تجدید شود آیا در اینصورت صنعت نفت بملی بودن خود ادامه خواهد داد؟»

بنظر می رسد که تصور کرده اید که خیمه شب بازیهای سابق از بین رفته است ولی شما بیم دارید از اینکه دو باره تجدید شود.

سئوال اخیر شما از لحاظ دیگری نیز قابل بحث است که این ستون کنجای آن را ندارد.

آقای م. مقاله ای تحت عنوان «ما هم باید از این حق مشروع استفاده نمایم» نگاشته اند که قسمتی از آن ذیلا درج می شود:

«دخالت در سرنوشت ملتی مربوط بعهده انگشت شمار و بخصوصی نیست... این امر مربوط بکلیه افراد ملت است و همه باید در تعیین آن سهیم باشند در دنیای فلی هر شخص با شوزی می تواند بفرمده که روا نیست انسان صبح تا جان بکند و با هزاران محرومیت و بدبختی روبرو شود... در خانه با صدای بلند می گویم یهودی هم انسان است و چون انسانی حق دخالت در امور مربوط بخود را دارد، ما هم می توانیم و بایستی سیاست یعنی در تعیین سرنوشت خود دخالت کنیم و هیچ قدرتی هم نمی تواند از این حق مشروع منع نماید»

بقیه سئوال یک خواننده

نوده ام و در نتیجه مطالعات و تحقیقاتی که در تاریخ یهود بعمل آورده ام بعضی برای آن یافته ام ولی از لحاظ اهمیت موضوع پیشنهاد می کنم این سئوال را در روزنامه بنی آدم مطرح و از خوانندگان بخواهید درباره آن نظر بدهند تا از مجموع نظریات و بحث هایی که در باره آن بعمل می آید راه صحیحی در مقابل علاقمندان باصلاح چاره ما باز گردد

افتتاح کلاسهای عبری و فارسی

بنیاد و سبب باطلاع کلیه علاقمندان بآموزش زبان عبری و همه یسوادان میرساند، کلاسهای ابتدایی عبری و فارسی در هفته آینده افتتاح خواهد شد - لذا برای نام نویسی در این کلاسها هر روز از ساعت ۷-۵ بدفتر جمعیت واقع در چهار راه مشیرالدوله جنب فراتنخانه شیروانی مراجعه فرمائید.

ضایحه اسفناک فوت آقای میرزاله نهورایان را بجاواده آن مرحوم خصوصا بدوستم آقای سعید نهورایان تسلیت می گویم یعقوب کهن بنی آدم - ما مصیبت وارده را بجاواده محترم نهورایان تسلیت می گویم

بنی آدم

ارکان جمعیت فرهنگی واجتماعی یهودیان ایران صاحب امتیاز و مدیر: آقای لقمان صالح نشانی: مشیرالدوله - جنب فراتنخانه شیروانی

آبونمان

۳ ماهه ۲۵ ریال
۶ ماهه ۵۰
یکساله ۱۰۰

توضیح

چون هیئت تحریریه روزنامه حاکم و اصلاح قنلات وارده مجازات است از اینرو مقاله «ما و مردم» که در شماره گذشته چاپ شده بود حاکم و اصلاح و قسم از آن حذف گردیده بود

هیئت تحریریه بنی آدم

نژاد را کاملا از بین برد یهودیان از این هیئت ضد یهودی دیگری در امان نمانند.

یهودی قتل عام شدند (شمار آن ها یعنی دستجات ضد انقلابی) کشتن یهودی ها و بولشویکها بود در صدها نقطه جامعه های یهود را بدست نا یودی سپردند.

سربار این مصائب بکرومهای بود که روسهای سفید ضد بلشویک بسرپرستی «دیکین» ایجاد کردند قشون سفید که از جنوب روسیه بسوی مسکو می رفتند

یهودیان را بولشویک پنداشتنه و در راه همه را بقتل رسانیده غارتشان میکردند بالاخره قشون سرخ پیروز شد و یهودیان از مرکز حشر نجات یافتند ولی هنوز فقر و گرسنگی دامنگیر مردم بود بایشرفت کمونیسم اوضاع کشور اتحاد جماهیر شوروی روبه بهبودی گذاشت و یهودیان هم با آن محبت سازگار شدند و مخصوصا چون حکومت جدید اختلاف مذهب و

محل زندگی

بقیه از صفحه ۱

گوشت مصرفی خود از سرو کول هم بالا میروند و معلوم نیست پس از این همه مزاحم موفق بخرید گوشت بشوند

این موضوع البته برای آن‌هاست که در دهستان بدمشان می‌رسد و تا اندازه‌ای توانایی خرید گوشت را دارند و خوانندگان مادر مطور زیر بامردمی آشنا خواهند شد که هایدما تا ماه یک گرم گوشت در سفره خود بپزند.

بسیار مردی که اکنون باید بحساب اجتماع مشغول استراحت باشد، روی لنگی چند نان سیاه پهن کرده و اطراف آن مدهای رن و کورک جمع شده و از آن خرید می‌کنند.

در هر گوشه بشه‌داد بی شاری از کودکان تراخی و زولیده بر خورد می‌کنیم که بیوش مدرسه و کتاب و تفریح در لجن‌زارها و خاک‌روبه‌های محله غوطه رویند.

این کودکان از لحظه‌ای که چشم‌گشوده‌اند خود را در این باطل‌ها و بی‌غوله ما یافته‌اند.

مشاهده نظره فحش از زندگی این کودکان بودیم.

پهلوی یک‌دسته از این کودکان کنار دیوار زلی روی زمین مثل مرده‌ای دراز کشیده و گاهگاهی که سرفه او را می‌گرفت بلند می‌شد و پس از سرفه‌های زیاد و پشت‌سر هم که فرود پکتیقه طول می‌کشید دوباره می‌خوابید و بر زمین و آسمان نرفین می‌کرد.

اطراف محوطه محله دغه‌های با یک مدخل کوچک وجود دارد در این اطاق‌ها (اگر بتوان نام اطاق بر آن‌ها گذاشت) در همین حال که مقداری خورد و درو آذوقه برای فروش گذاشته‌اند چندین نفر سکنی دارند.

تا اینجا صحنه‌هایی را برای خوانندگان تاریخ کردیم که همه ما در رفت و آمد روزانه خود آنها را مشاهده می‌کنیم و در می‌بینیم ولی برای اینکه دقیق‌تر از تصویب گرفتیم بگویم که این محله محله کلیبیان مراجعه و مناظری چند از محل سکنی زندگی این محرومین اجتماع تپیه و بیواندگان خود عرضه داریم.

یک کوچه فرعی وارد شدیم این کوچه پر بوی و خیم که یادگار عهد قدیم را در اسان زنده می‌کند چنان تاریک بود که ما باروشن کردن کبریت از آن گذشتیم چند قدمی جلو رفتیم از دری که باز بود وارد محوطه‌ای شدیم که نام حیاط بر آن نهاده بودند شاید ساختمان اطاق‌های این محوطه متعلق به یکسفر پیش باشد.

اثری از استکفارش در صحن محقر حیاط بود و در نقاط مختلف آن بواسطه جمع شدن گل ولای بوی عفن مشهتر کننده‌ای به مشام می‌رسید.

اینجا ما به بختی شکست آور برادران ریاض خود بی بردیم. در یک طرف حیاط چندیل و پلاس پهن کرده بودند.

اینها پوشاک ساکنین این دغه بود که برای خشکاندن روی زمین پهن نموده بودند.

در طرف دیگر بواسطه خراب شدن همای و پارتیه خاکی بوجود آمده بود ابتدا تصور کردیم که در این محوطه یک خانواده زندگی می‌کنند ولی بعد فهمیدیم که بالغ بر ۹ خانواده در زانهای مسمود این به اصطلاح حیاط زندگی می‌کنند.

از کنار جاله پراز لجن وسط حیاط

که مایع محتوی آن را (آب) می‌نامیدند بطرف دریچه لیمه باز بود رفتیم ولی چون درو پیکر آن سیاه بود بفرمانیکه آنجا آشپز خانه است خواستیم بطرف دیگر برویم ولی ناگهان کسی از داخل آن خارج شد و ما را صدا زد.

زنی بود که در حدود سی و پنج سال از عمرش می‌گذشت، لباسهای مندرس و پر از وصله اش بسختی تن نحیف او را می‌پوشاند.

بلافاصله پس از خروج او چند بچه و یک دختر جوان از در بیرون آمدند. مادر آن‌ها برای ما شرح داد که با یک مشت بچه اینجا زندگی می‌کنیم هر چه وقت کردیم چیزی که کف مرطوب اطاق و پوشاندنیاتیم.

در این اطاق که طول و عرض آن دو متر و بیست و نیم ارتفاع داشت هفت نفر زندگی می‌کردند.

مادرشان که «زینت» نام داشت شرح مفصلی از سرگذشت خود داد و گفت:

«من و شش بچه در اینجا زندگی می‌کنیم شوهرم چند سال است که مرده است. من و بچه‌هایم باید بختی زندگی می‌کنیم اگر چاهی برای رختشویی رفتیم لقمه نانی برای بچه‌ها تهیه می‌کنیم و گریه می‌جویم یا گرسنگی سر کنیم.

بچه‌ها هیچکدام مدرسه نمی‌روند و روزها در کوچه‌ها و خیابانها و بلان و سرگردانند.»

او از ما تقاضای کرد که فکری بحال او بکنیم. پس از آن که باو دلداری داده و آینه خوشی را برای او و بچه‌هایش نوید دادیم با یکدیگر تاجر اطاق آنها را ترک کردیم.

مجاور اطاق «زینت» چاهی به مراتب کثیف‌تر و کوچک‌تر وجود دارد مدخل آن را پرده هزار و صله‌ای می‌پوشانند. اینجا شبیه راهروی بود که دو متر طول داشت و در طرف آن کاملاً باز بود.

درین راهرو هشت نفر زندگی می‌کنند. زن جوانی که خود را مادر این خانواده معرفی می‌کرد می‌گفت شوهرش «الغاز» ملکی می‌کند و تازه در ماه پیش از چند روز کارگشیش نمی‌آید. معلوم است که در روزهای بیکاری او ما باید گرسنگی بکشیم.

در این موقع بیش از پنجاه نفر زن مرد و پسر و دختر که بسی رنج کشیده و ناگامی دیده بودند و هیچکدام قیافه طبیعی نداشتند ما را احاطه کرده و در خواست می‌کردند که نسخه‌های آنان برویم و بپرد دلشان گوش دهیم.

این محرومین تصور می‌کردند که با گذشتن درد دل خود شاید روزی امیدی برایشان بوجود آید و از این منجلا ب رهایی یابند.

شاید در تمام طول زندگی‌شان برای اولین بار بود که عده‌ای برای سرکشی بر زندگی خانواده‌ها سراغ آنان آمده بودند.

بچه‌ها با قیافه‌های معصوم خود با ما نگرینند، اغلب شلوار انداخته و تنها پوشاکشان بپسراهن پاره‌ای بود. برای نمونه یک نفر از آن‌ها سالم نبود.

یکی تراخم داشت، یکی کله‌ی سرش را کاملاً طاس کرده بود و دیگری یک بابش در اثر رطوبت زانها ناک شده بود و خود را بر زمین می‌کشید.

بسر دابه‌هایی هدایت شدیم که شش خانواده در آنجا زندگی می‌کردند. چه‌های آنها وسط حیاط جمع شده و در منجلا بها و گل و لای می‌لوییدند.

سرپرست یکی از این خانواده‌ها در مقابل سؤال ما توضیح داد: «ما چهار نفر هستیم که در اینجا زندگی می‌کنیم شوهرم «رفائل» که پخته فرو شو می‌کند و لقمه نانی برایمان تهیه می‌کند با حالت گریان و غم‌انگیزی فریاد کشید.

«من بیست و دو تا بچه داشتم که در اثر فقر بیست تای آنان مردند و اینکه پیش از دو دختر برایم باقی نمانده‌است.»

جمیت انبوهی دور ما حلقه زده بود اینان مارا ملجاء و پناهگاه خود تصور می‌کردند و هر کدامشان با اضطراب و

تأثر خاص بدبختی خود را شرح می‌دادند و از ما تقاضای پاری و مساعدت می‌کردند. یکی می‌گفت: «شوهرم تریاکس است با چند سران خور کسی واندارم»

که درین سرمای زمستان با دمان برسد» دیگری تیریف کرد که: «زمن سل دارد، صبح تا شب خوابید.»

است، منم با این حالت پیری گاری از دستم برنی‌آید، بچه‌هایم گرسنه‌اند.» سومی با فریاد با اضطراب کرد:

«زمستان شروع می‌شود در حالی که پول نداریم خا که ذغال بخریم اگر کسی بفرا دمان نرسد همگی از دست می‌رویم.»

با یکدیگر تاثیر محله را ترک کردیم در حالی که هنوز هروقت آمو ناله محرومین با طارمان می‌رسد سخت آزارمان می‌دهد.

آری خواننده عزیزانست و وضع زندگی اکثریت جامعه محروم ما هروقت بسا محتولین جامعه اسرائیل صحبت می‌کنیم می‌گویند مبادا از ما انتقادی کنید یا از وضع محله چیزی در روزنامه بنویسید.

که آبروی ما پیش دیگران خواهد ریخت اینان چون میدانند که در انفرض و روزی و حکمرانی خود و نظائرشان اکثریت افراد جامعه ما باین روز سیه نشسته‌اند

بپناه آبروریزی اصرار می‌ورزند که از وضع مردم در روزنامه‌ها چیزی نوشته نشود.

جامه یهودیان جزئی از اجتماع ملت ایران محسوب میشود این وضع پریشان برای اکثریت افراد ملت ایران باشد بیشتر وجود دارد. اگر نسیم کیلومتر از محله بطرف جنوب برویم

بزانه‌ها و دغه‌هایی بر خورد می‌کنیم که هموطنان محروم مسلمان ما باید بختی شدیدتری در آنجا مسکن کرده‌اند.

سایر هموطنان ما نیز به همین ترتیب باین محرومیت‌ها و ناگامی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

این محضین یهودیان نیست که بگوئیم اگر از وضع مادی‌گرا ن مطلع شوند آب روی ما خواهد ریخت.

مسئولین جامعه ما که کوچکترین ارتباطی با ملت ندارند با تحویل کردن خود بردوش اکثریت جامعه اسرائیل و همچنین اولیاه امور بطور کلی مسبب و اعمی این پریشانی‌ها و درماندگی‌های عمومی بشمار می‌روند.

بقیه از صفحه ۱
اینان می‌گویند کشور ما را بیابانگاه جنگی خود می‌داند سازند و خانه و مسکن مردم بی‌گناه ایران را برای تأمین منافع شوم خود دچار طعمه حریق بسبب و شوم پاره گردانند.

جنبشی که در خاور میانه بخصوص در ایران و مصر پدید آمده است سده بزگی در مقابل نقشه‌های پلید این گروه میباید.

بنابراین کوشش می‌کنند که این جنبش را بسکون بدل سازند صدها را به قتل رسانند نفس‌ها را در سینه محبوس گردانند.

مبارزه مردم ستمدیده خاور میانه را خشتی نمایند و زنجیر اسارت آنان را محکم گردانند مانع از هم‌گسختن آن گردند.

ترکیب مجلس هفدهم برای تأمین این ظریفات پلید اهمیت حیاتی دارد آنها که از بردگی ملل سرود می‌برند

بوسیله ابادی خود می‌گویند ملت ایران را از شرکت در انتخاب نمایندگان حقیقی خود باز دارند.

سعی می‌نمایند کسانی را به ملت ایران تحمیل نمایند که این «مسائل مهم» را برای آنان حل کنند.

امام‌سلمان ملت بیدار ما هم در مقابل این جریان که بستگی با استقلال و آزادی وی دارد ساکت نخواهد نشست.

مسلمانان مردم دست روی دست نخواهد گذاشت تا غاصبین حقوق ملت هر کار می‌خواهند بکنند. بر حقوق سیاسی او مسلط گردند و کشور را بخطر ناگامی سوق دهند.

بی شک ملت ایران دست به مبارزه بی‌امانی خواهد زد. پرده از چهره گریه عوام فریبان، ریا کاران و دزدان حقوق سیاسی وی بر خواهد داشت.

این منظره‌ای از انتخابات عمومی کشور است. اما درباره یهودیان ایران وضع از اینهم شدیدتر است:

یک فرد یهودی بجرم یهودی بودن رسماً حقوقش تضییع می‌گردد. اگر مردم تهران به فرض آزاد بودن انتخابات می‌توانند ۱۲ نفر نماینده از طرف خود

اگر بخواهیم باین حالی وی احتیاتی بکار ما سر و صورت دهیم یا از دستگاه فعلی کوچکترین امیدی بدل راه دهیم جز باطل چیزی نیندیشیده‌ایم.

تاریخ به‌اشان می‌دهد که تا جنبش اجتماع نباشد هیچگاه نامایمات از صفحه زندگی محو نخواهند شد.

بایستی علل ناگامی‌ها را درک کرد و پس از توقف کامل بریشه محرومیت با روش بینی تمام برای نابودی ناسامانینها و غم و اندوه زندگی کوشش کرد.

این راهم باید دانست که با صدقه و مساعدت کار درست نخواهد شد. هیچگاه جلوی فقر را با صدقه نمی‌توان گرفت باید فکراساسی کرد تا برای همیشه این وضع نکبت بار از بین برود خانه‌ها از پایست و ایران اسبه باید از پایه شروع بتجدید ساختمان کرده و اجتماعات او آباد، خالی از غم و اندوه و فقر ساخت و این جز بکسک طبقات محروم اجتماع و کوشش آنان میسر نخواهد شد.

تا این محیط عفن وجود دارد، عده زیادی جان می‌کنند و معدودی بر آنان حکمرانی می‌کنند باید محیط را عوض کرد از زندگی کامکار و آینه درخشانی بوجود آید.

آیسا انتخابات

انتخاب نمایند. یهودی تهرانی تنها می‌تواند بیک نفر برای دهد؟ تازه این رأی که می‌دهد با آراء یهودیان ساکن شهر های دیگر مخلوط می‌شود.

این اختلاف با هیچیک از موازین حقوقی وفق نمی‌دهد. با مفاد اعلامیه حقوق بشر که همه مردم را مناسوی الحقوق می‌دانند مغایرت دارد.

اما این حق ظالمانه انتخاب یک نفر در سراسر ایران هم تاکنون از یهودیان سلب گشته و در آینده نیز نمی‌دارند آنرا سلب نمایند.

کافی است فردی که کمترین علاقه‌ای بزندی مردم ندارد مقامات متنفذ را ببیند، با آنان بنده‌بست نماید، چند نفر دلال بشهرستانها بفرستد، توطئه‌ای از مامورین محلی بگیرد تا بتواند به آسانی بر حقوق سیاسی مردم مسلط شود.

از هم اکنون کسانی که برای ربودن حقوق جامعه ما خود را آماده نموده‌اند به فعالیت پرداخته‌اند.

از یکسومی کوشند هر گونه حاملی را که سبب بیداری مردم می‌گردد و جامعه را برای حفظ حقوق سیاسی خود آگاه می‌سازد از میان بردارند.

از سوی دیگر دست بتشکیل جمعیت های انتخاباتی زده‌اند. دسته بندی‌ها با عناوین رنگارنگ بوجود می‌آورند و برای فریب اقبال مردم هر گونه وسیله‌ای را در اختیار آنان قرار می‌دهند.

اولین نشانی که این گروه به عمل آورده است فشار بر مدیران مدارس و متصدیان کنیساهاست.

«جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودان ایران» برای بیدار نمودن مردم و روشن نمودن ذهن افراد جامعه بتنظیم کنفرانس‌هایی در کنیساها که برای تشکیل اجتماعات یهودی اختصاص دارد پرداخته است.

این گروه که از بیداری مردم بیم دارد و از روش زدن افراد جامعه هراسان می‌باشد به تصدیق کنیساها فشار آورده است که این محل‌ها را در اختیار جمعیت ما نگذارند و از تشکیل کنفرانس جمعیت‌های مترقی جلوگیری بعمل آورند.

یکی از مدیران مدارس ملی که سالن سخنرانی دبیرستان راهفته‌ای دو ساعت در اختیار «جمعیت دانشجویان یهودی دانشگاه» گذارده است مورد بازخواست این گروه قرار گرفته و از ادامه این عمل منع گردیده است.

مردم جامعه ما اینک برای چند روزی دوستانه‌ان ریاکاری پیدا می‌کنند. کسانی که جز بتناهی خود نمی‌اندیشند در آستانه شروع انتخابات دوره هفدهم از او بیاد دردهای جامعه می‌افتند.

اینان همانهایی بودند که دو سال قبل نیز بحال ملت زار می‌گریستند ولی بعضی اینک آراء شمرده شده آنها از آسیا افتاد دلسوزی‌هایشان بیابان رسیده و برای دوره بعد در گنجینه مکتور تزویر ذخیره گشت.

این گروه بتدریج وارد صحنه انتخاباتی می‌شوند و بفریب مردم می‌پردازند اما مسلماً مردم گرسنه برهنه و بی‌خانمان گول‌ظاهر سازیهای آنان را نخواهند خورد دست رد بر سینه عوامل تیره روزی خود وارد خواهند آورد.

چاپ خود کار

تلفن ۴۲۸۳

دولت جدید

این روز نامه از گمان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران بوده بهیچ دستة دیگری بستگی ندارد

جبر را باید آراء افرا

بقیه از صفحه ۱

جدید تا تمام مبداء و تالیفات این نماینده‌های با این اقدام ناصحیح خود گوش میکنند برای حفظ موقبت خویش جبر را در میان را بنفع خود تغییر دهد و آنچنان عمل کند که هوس و تاملش باو حکم میکند بدینسانه این بدعت غلط از سالهای پیش بیجا مانده است.

حیب این است وقتی کسی وکیل می شود افراد حبرای سابق بدون هیچگونه مقاومت خود بخود تامل میروند و کناره گیری میکنند.

تاکنون سابقه ندارد که حبرائی رسماً به وکیل بگویند توفیق ناداری بیل خود حبر را تغییر بدهی.

تنها اراده و مصالح اجتماع است که میتواند حبرائی را بوجود آورد یا منحل نماید.

از سالها قبل عده زیادی از مطلقین و روشنفکران چه مستقیم چه غیر مستقیم و وسیله روزنامه‌هایی که قبلاً وجود داشته است نظریات خود را از لحاظ راه‌مندی و انتقاد نسبت به حبرائی زمان و ناپایندگی وقت ابراز داشته‌اند و وکیل را از تشکیل حبرای بیل خود بر خلع داشته اند.

موقبت وکیل در تشکیل حبرای جدید بیل خود و انحلال حبرای سابق با در نظر گرفتن این که آن حبرای نیز واجد صلاحیت نبوده است مؤید دو حقیقت تلخ است.

اول این که ناپایداری و سستی و بی شخصیتی و بی لیاقتی افراد حبرای را ملاحظه کند دوم بی اعتمادی وکیل نسبت به جامعه و خیانت او بر مردم.

زیرا فقط مردم هستند که می توانند افراد حبرای را انتخاب کنند و حبرای صحیحی را بوجود آورند.

یا در صورت انتضاه آن را منحل نمایند نه امیال یک نفر هوسباز جاه طلب. چون حبرائی که از جانب مردم نباشد بدست یک نفر سودجوی دور از ملت بوجود آمده باشد نمی تواند برای مردم کار کند.

مؤید این حقیقت همانا حبرای های معلوق این دو وکیل اخیر است که نه فقط از انجام کاری و خدمتی بنفع مردم عاجز بودند بلکه ویرانی های تازه ای بر خرابی های پیش افزودند.

اصولاً وکیل تعمیلی حق ندارد حبرائی تشکیل دهد بلکه مردم هستند که طبق اراده و مصلحت خود معق می باشند اشخاصی را که دارای صلاحیت کافی باشند بروی کار آورند و حبرائی بر وفق مصالح اجتماع بوجود آورند.

وکیل حق ندارد ریاست حبرای را عهده دار شود بلکه فقط از نظر اهمیت مقامی (تازه اگر از راه صحیح بآن مقام رسیده باشد) می تواند عضو حبرای شود.

آن هم برای رهنمایی شدن و گرفتن تعالیم لازمه و الهام کافی از مردم جهت داشتن بصیرت در مقام سیاسی خود.

حبرایان را از اعتدال نفوذهای وکیل تعمیلی کاملاً مستقل باشد و طبق آیین نامه صحیح که از تصویب نمایندگان واقعی مردم (که برای تشکیل حبرای تعیین شده باشد) گذشته باشد در زمان مقرر و مشخصی انتخاب شود.

حبرای بایستی براراده و اعمال وکیل کاملاً تسلط داشته باشد نه وکیل بر حبرای ریاست کند.

این سنت غلط که هر وکیل خاصیتی بتواند حبرای بیل خود بسازد باید کاملاً منسوخ شود و بدعت آن متروک گردد.

با بودن یک حبرای رسمی و قانونی از طرف مردم کارهای اجتماعی ماطبق نقشه صحیح و مصالح جامعه بایستی تقسیم شود.

نمایند مجلس دارای وظایف مشخصی است که بایستی برای اثبات حقوق و احقاق حق جامعه خویش در مجلس شورای ملی اقدام نماید.

وکیل راجه باینکه فضا بهارادر برابر خود زره دهد باصرافی خاکه ذغال کند یا برای بعضی مصانعتور بکار گذارد این کارها جز بربوط بصیرت است.

آیا کارهای اساسی تر از لحاظ سیاسی و اجتماعی وجود ندارد که وکیل وقت خود را صرف این کارهای غیر مربوط می کند وکیل راجه باینکه نقش منحصر و مطلق را بعهده گیرد و در امر خلاف زمان و شوهران دخالت نماید، این کارها و این قبیل امور فقط مربوط به حبرای و شعیات آن است.

زمانی وکیل حق دخالت دارد که رسماً از طرف حبرای مجروح شود و بایستی بدلیل انجام وظایف و جدائی قانونی خود رود وکیل بایستی در راه رفع تضییقات و فشارهایی که براهین مختلف بر جامعه اسرائیل ایران وارد می شود اقدام کند.

وکیل بایستی علیه کارشکنیها و محرومیتهایی که در مراجع دولتی نسبت به اسرائیلی های ایران بعمل می آید اقدام و وظیفه نماید.

وکیل بایستی در مجلس شورای ملی مدافع منافع جامعه یهود و بطور کلی ملت ایران باشد و گوشش کند جامعه خود را از انحطاط کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی ایران در ردیف سایر ایزرایان قرار دهد و این حق را تثبیت کند.

وکیل بایستی از طریق وزارت فرهنگ و محرومیت های فرهنگی جامعه اسرائیل را بنوع کاملی از بین برد.

وکیل بایستی از طریق مراجع قانونی حقوق پایمال شده جامعه اسرائیل را باز ستاند.

وکیل بایستی طبق مصالح جامعه خود در مجلس شورای اسرائیلی از جنبش های مترقیانه ملت ایران در راه بدست آوردن آزادی خود پشتیبانی کند و نسبت به دولتهایی که علیه ملت اقداماتی می کنند اعتراض نماید.

خلاصه کار وکیل مهمتر از آن است که بیاید حبرای سازد و برای تلف کردن وقت با چند قصاب و بقال خود شرا در راس آن قرار دهد.

مأمرد براد هوت می کنیم برای اینکه از بسیاری از خرابی ها جلو گیری خود با ما در این امر مهم همصدا شوند و نگذارند پیش از این هر فرد هوسباز و جاه طلبی بنام وکیل بر حیثیت جامعه ما بتازد.

از مردم دعوت می کنیم که با همدمی ما وکیل را محدود کنیم که در تشکیل

آیا گروه های آدم

بقیه از صفحه ۱

خون های ریخته شده سی میلیون از افراد نو جوان که قسمت نسبتاً اعظمی از آن را یهودیان تشکیل می داده اند خشک نشده است. بسا این که هنوز از بقایای کوره های آدمسوزی «بوخنوالد» و ذخایر بوی انسان های سوخته بنشام میرسد.

باینکه میلیونها نفر از هم کیشان بوسیله کوره های آدمسوزی اعدام های دسته جمعی احوال شاقه زجر کشی ها از بین رفتند.

کوبا این همه جنایات فحیح و لطبات شهیدی که بر بیکر بشریت وارد آمد کانی نیست که با تشریح و تشریح فاشیستسا تجدید جنایات گذشته را آرزو میکند.

تحرکات فاشیستی و نژادی در دنیا روز بروز شدیدتر می شود و بعد از نژاد پانها و «وود کتر» شاخت ها و اعمال نازی بیخوب و جوش می افتد و غائله جهانی دیگری را تهیه می بینند.

در کشور ما هم در این هنگام که علیه مسیحین واقعی اسارت و بدبختی ملت ایران رستاخیز مقدس آغاز شده است دشمنان آزادی و استقلال ملی و روزنامه های منتسب بایشان که از دیدار این منظره وحشت زده شده اند برای توجیه عمل اصلی بحران اقتصادی و ورشکستگی عمومی و گرسنگی بی کاری مردم مسئله موهومی را بنام «خطر یهود» جعل نموده و دستاویز خود قرار داده اند یهودیان را که با همتیای یک عده محدود اکثریت آنها حتی از ابتدائی ترین مسائل زندگی محروم شده و مسیحا و آفتی خرابی وضع اقتصادی ایران و فقر عمومی و ناپایندگی سرمایه داران بین المللی مترقی می نمایند و برود و دیوار وحشی پریشانی اونیوسها جلات «مرک برچهود» و از این قبیل شعارهای تحریک آمیز می گویند.

هم اکنون نامه ای یکی از خوانندگان کان در مقابل ما است که می نویسد «چند شب قبل در خیابان اسلامبول عده ای قلیل از این جوجه فاشیت ها که بوسیله مقاماتی پشتیبانی میشدند جمع شده و یکی از آنها هنگام شروع صحبت اولین شعاری که داد این بود «مرک برچهود» که بگوشه ای من همرازا چندین بار با صدای بلند تکرار نمود و سپس بیچاره کوفتی هسای خود منفور گشت.

مسئله ای که مایه تعجب است این بود که این شمار هیچگونه بستگی با موضوع صحبت نداشت.

بطوری که از غالب کشورهایهایی که افراد آن حاکم بر مقدرات خود نیستند تظاهرات فاشیستی بنظور حرکتی جنبش ملت ها خود نمایی می کنند ولی این تظاهرات بی پیروی از راه و رسم «هینلر» و «گوگل» هموما با حمله یهود شروع می گردد.

کار این گروه تنها تظاهرات و سخن گفتن و شمار دادن و بیعت و گلشن و خوانه پیدا نیستند بلکه کشتارهای نژادی نیز

و تعبیر حبرای و احراز ریاست آن اعمال نفوذ نکند و او را در زمان و کالبد خود تحت مراقبت کامل بگیریم که مانند و کلابی سلف این همه موجود خرابی و بی آبروی و خفت نشوند.

در بعضی از نقاط شروع شده و هم کیشان ما را همان پنهان هائی که فاشیست ها قتل عام میکنند در بدست ترمین و ضعیفی می کشند.

همه جا و گیزی دولت ها و علاوه بر آن تشویق و ترغیب فرما میروند امور دامن این تریکات را وسیع تر می کنند.

هم اکنون بر فعالیت گروهی که بنام «پان ایرانیست» برخوردار شده و با صداقت تمام میگوید «منطق مامشت است» روز بروز از افزوده ترمین گردد سال گذشته روزنامه انگلیسی «جوایتش» گروه نیکل از کشور آتریش که یکی از قربانیان فاشیسم میباشد خبر داده بود که «نوسه» و رشد فاشیسم توجه یهودیان مقیم این کشور را بخود جلب نموده است.

در مقابل اعتراض یهودیان آتریش فراماندهی ایزد هائی از مخالفان انگلیسی در آتریش مشارالیه اظهار داشته بود که «بملت گرفتاری های زیاد فرصت تحقیق در باره این موضوع را نیافته است» در نتیجه این نوع «گرفتاری ها» و عدم تحقیق و اقدام اساسی دوباره علت اصلی این تحریکات فاشیستی در آتریش از طرف اوزلای مسئول انگلیسی فاشیست ها ازالا گذشته تاکنون جری تر شده و بطوری که روزنامه داد مورخه ۲۵ مهر ماه ۱۳۳۰ شماره ۲۲۲۰ در ستون «سیاست جهان» تحت عنوان «منازعه یهودی ها و نازی ها» در آتریش تجدید کرده است.

می نویسد «در کشور آتریش نزاع یهودیها و نازیها که در زمان هینلر خیلی شدید بود تجدید کرده است» در آلمان غربی نیز فاشیست ها کارها می برده زنده می شود و احیاء می گردد و مقامات اشنائی آتریشکا با خوشحالی و سرور باین ناظر زشت نظاره می کنند.

شروع مجدد این قبیل تحریکات و توطئه های فاشیستی و عدم جلوگیری اولیاء مسئول و ترغیب و تشویق دولت ها نشان این است که یک فاجعه بزرگ تاریخی دیگر در شرف وقوع و تکوین است و اگر ملت ها از هم اکنون بیکر چاره اساسی برای جلوگیری از وقوع این توطئه نباشند باز هم باید در انتظار اعدام های دسته جمعی و چوبه های دار کوره های آدمسوزی و سایر اقدامات وحشیانه باید بود اگر این جریان ادامه پیدا کند و فاشیسم از نو در دنیا احیاء گردد مردم دنیا گرفتار فاجعه جدیدی که به مراتب وحشتناکتر از جنایات گذشته است خواهند شد و مسلماً قسمت اعظم از قربانیان این فاجعه را مانند گذشته یهودیان تشکیل خواهند داد.

وظیفه ما است که در جریان مبارزه علیه این فحریث ها پیشقدم باشیم برای خوشبختی خود و خانواده و هموطنان خود صمیمانه با تبلیغات شوم آثار مبارزه کنیم. نسبت بیکشتارها و تحریکات نژادی که مجدداً شروع شده است ابراز تنفر نمایم.

شخصیت های بزرگ

بقیه از صفحه ۱

مقامات رسمی متعددی بوده است که از جمله استادی مدرسه ای است که سابقه خود در آنجا تحصیل می کرده است هالوی در مدرسه مزبور بین سهام ها گردانش داد آینه خودی ز را نیز تعلیم میداد.

هالوی از زمره هنر مندانی بود که است که بعد از انقلاب کبیر فرانسه دوشیز یهودیان آن کشور ظاهر شد قبل از انقلاب در شرایط استبداد ملت فرانسه و جزو آن یهودیان آن کشور در فشار ظلم و تودال ها و مأمورین پاپ کلیسا دچار خفقان شدیدی بودند.

استعداد ها هنر مندی ها و نبوغ بشری فرصت ظاهر شدن پیدا نمی کرد پس از انقلاب کبیر فرانسه ملت تاج خود آزادی یافت.

تساوی حقوق برای همه افراد کشور اعلان شد یهودیان نیز زمینه مساعدی برای ترقی پیدا کردند.

با اینکه بورژوازی فرانسه بشهر وارث دستگام نشانار و توالیسم شد آزادی ملت زانمود ساختن آبا و جد تجدید قدرت از تجماع و ایجاد تضییقات تازه بر علیه ملت از آن جمله «ایراد» های جدید بر یهودیان و بوجود آوردن ضرایب از قبیل قضیه «دزیفوس» همین قدر ملت فرانسه آزادیهای بدست آورد یهودیان نیز فرصت پیدا کردند که در زمینه علم و هنر از خود نمونه های بزرگی اعلان سازند.

استعدادهایی که در خلال تیرگی قرون وسطی امضی و موقوف مانده در محیط بیخ آزادی قرن نوزدهم بروز کرد و در زمانتال هالوی نمونه ای هنرمندان این دوره است.

ما همین نویسی گریستار تعلیم فن ماشین نویسی «جیری» فارسی و لاتین در کتب بهترین مد کلاسهای انگلیسی - دفترداری دوره تحریر و ترجمه نشانای لاله زار - روبروی کور خندان برای طاهایز

شیرازیان عزیز برای خرید جرائد و مجلات کشور بخصوص روزنامه بی آدم به تنگ مصلوب هائی شهاب تکیه نواب مراجع فرمائید.

از دولت بخواهیم که برای گیری از تکرار این فجایع و جنایات خاطر حفظ آزادی و دموکراسی و حمایت و رعایت از قانون اساسی و مشروطیت نسبت باین مسئله مهم و حاد اقدام عاجل و فوری کند و بیش از این پوشی و اغماض روا ندارد.

ما باید دوش بدوش سایر برادر هرافتند و همین برضت خود رسوا ساختن این توطئه های ضد ان مبارزه کنیم.

بدون نزدیک هشیاری و مبارزه ما مانع از تجدید و تکرار این جنایات ضد انسانی نخواهد گردید.

از دولت بخواهیم که برای گیری از تکرار این فجایع و جنایات خاطر حفظ آزادی و دموکراسی و حمایت و رعایت از قانون اساسی و مشروطیت نسبت باین مسئله مهم و حاد اقدام عاجل و فوری کند و بیش از این پوشی و اغماض روا ندارد.

ما باید دوش بدوش سایر برادر هرافتند و همین برضت خود رسوا ساختن این توطئه های ضد ان مبارزه کنیم.

بدون نزدیک هشیاری و مبارزه ما مانع از تجدید و تکرار این جنایات ضد انسانی نخواهد گردید.

از دولت بخواهیم که برای گیری از تکرار این فجایع و جنایات خاطر حفظ آزادی و دموکراسی و حمایت و رعایت از قانون اساسی و مشروطیت نسبت باین مسئله مهم و حاد اقدام عاجل و فوری کند و بیش از این پوشی و اغماض روا ندارد.

ما باید دوش بدوش سایر برادر هرافتند و همین برضت خود رسوا ساختن این توطئه های ضد ان مبارزه کنیم.

بدون نزدیک هشیاری و مبارزه ما مانع از تجدید و تکرار این جنایات ضد انسانی نخواهد گردید.

کتابخانه